

نگاه نو



دکتر ابابک زمانی  
نورولوژیست دانشگاه علوم پزشکی ایران و رئیس انجمن سکته مغزی ایران

ستون انتقادات

آقای سردبیر عزیز! امیدوارم این نامه بنده را که از سوز دل نوشته شده در هفته‌نامه خودتان در جایی چاپ بفرمایید که این آقایان پزشکان محترم بخوانند و بیش از اینها به بیماران مستاصل التفات بفرمایند! برای نشان دادن یک آم‌آری ساده به این آقای دکتر مجبور شدیم وقت بگیریم و مدتی در نوبت بمانیم و ویزیت پرداخت کنیم که البته این یکی حق ایشان است! بعد از آن همه معطلی و گرفتاری آخر نگاهي به ام‌آری اکتخته و فرمودند: «باید ایشان را ویزیت کنم.» می‌گویم: آقای دکتر! این آم‌آری مغز نشان هست‌ها جلوی چشم شماست! ولی بعد از آن همه اصرار داشتند که بیمار را معاینه کنند. آقای سردبیر محترم! من اصلانی فهمم وقتی عکس خودم‌ز یک نفر را بدون هیچ پوششی، آن هم در مقاطع مختلف با روش‌های گوناگون چاپ کرده‌اند، دیدن صورت و بدن آن فرد چه کمک بیشتری می‌کند؟ و وقتی که ما می‌لغ ویزیت را هم پرداختیم، جز همکاری نکردن و زینام آلاز، آلاز چه نامی روی آن می‌شود گذاشت؟! تازه ما به آقای دکتر تمام علت‌های بروز بیماری مغز ایشان را از استرس و مشکلات زندگی گرفته تا ضربه‌های مغزی کودکی همه و همه و امفصلا توضیح دادیم. من واقعاً نمی‌فهمم این معاینه دیگر چه صیغه‌ای است که می‌فرمایند باید بیمار را معاینه کنند و شرح‌حال بگیرند؟! می‌گویم هرچه می‌خواهید بفرمایید تا من حالت‌هایش را برای شما توضیح بدهم. می‌تند به در شوخی که اگر این‌طور بود، دیگر مطب نمی‌آدم و در منزل پای اینترنت همه بیماران را ویزیت می‌کردم! می‌گویند بیماری‌های مختلفی باعث اختلال حرکت و تفکر می‌شوند و فقط با معاینه می‌شود تشخیص داد! خلاصه اینکه قضیه را بیچ‌دار می‌کنند.

چند بار توضیح می‌دم که آوردن بیمار خیلی سخت است؛ به راحتی نمی‌تورود، تازه روحیه دکتر رفتن را هم ندارد، آن هم دکتر اعصاب! فکر می‌کردم حداقل این مطلب با خود ایشان که متخصص اعصاب هستند، درک کند ولی فایده‌ای نداشت. حرف ما بود که اول گفتند. آخر سر هم بعد از این همه بحث و اطلاعاتی که دادیم، به خانم منشی دستور می‌دهند که مبلغ ویزیت را ما به پاس بدهد و اگر خواستیم، همراه بیمار برآی ما وقت جدید بگذارند. انگار که ما مشکل مالی داریم! این دیگر از آن حرف‌هاست، وقتی هم که باز اعتراض می‌کنم حتی می‌گویم هر چقدر بیشتر بخواهید می‌دهیم، می‌فرمایند: «حق و حش آن بیمار خیلی بیش از اینهاست!» واقعا شما آقای سردبیر فکر می‌کنید منظورشان از حق بیشتر چه بود؟ یعنی باید باز هم پول بیشتری می‌دادیم یا می‌خواستیم بگوییم کار معاینه‌اش مثلا خیلی مهم است؟! ■

شعر و سلامت



شاعر و منتقد ادبی

سه‌م ما از زندگی آیا همین قدر است؟

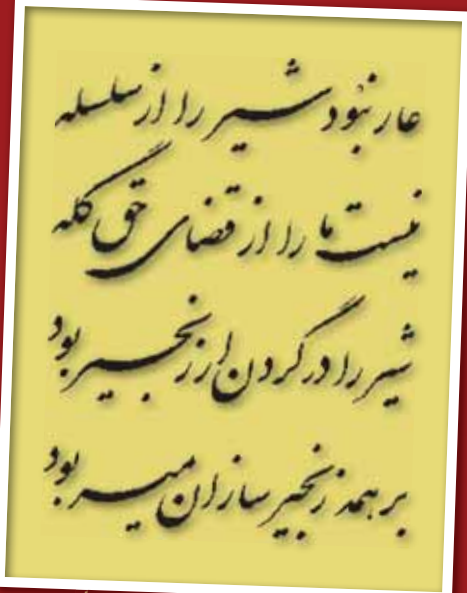
«رو به دریا خانه‌ای از ابر خوامم ساخت  
خانه‌ای از ابر  
بر برای بی‌پنهانی که می‌گردند  
بر مزار آرزومندان  
بی‌شمر، بی‌صبر  
بر مزار آرزوها سخت می‌گردند...  
سه‌م ما از زندگی آیا همین قدر است؟  
سه‌م ما از عشق، از لبخند...  
سه‌م می‌مردم به هستی، چه‌برای خیالات  
زندگی با لحظه‌های بلکنای شکل پارچاست  
تا کرامت‌های باران هست  
رو به دریا خانه‌ای از ابر خوامم ساخت  
خانه‌ای از ابر»  
مرتضی نوربخش از مجموعه «آمدن گناه من نبوده

در تقدیم‌نامه شعر آمده‌است: «به‌مسلمانان بوسنی هرزه‌گوین.» پس شعر، ما را به فجاج تاریخی و انسانی قومی مظلوم هدایت می‌کند که در تاریخ معاصر مانند آن را کمتر می‌توان سراغ گرفت؛ به نسل کشی و خشکسالی که بار دیگر جنات‌های نازی را در آذهان زنده کرد و شگفتنا که این فاجعه نیز در محدوده جغرافیایی پالکان رخ می‌دهد! اما شاعر بر چه وجهی از فجاج استراحت نگشست نهاده است؟ بر کشتار، قتل، غارت، ویرانی، آوارگی و بسیار مصیبت‌های دیگری که جنگ‌به‌وجود می‌آورد و البته به نظر شاعر، آوارگی و بی‌پنهانی به‌جامانده از جنگ، سنگین‌ترین و دردناک‌ترین بخش آن است. حال، با این توضیحات، باید بینیم شاعر بر چه زبان و نگاه و زاویه‌ای از زندگی این حالت‌نژودیک شده است؟

رو به دریا خانه‌ای از ابر خوامم ساخت  
از برای بی‌پنهانی که می‌گردند...  
ایر و گریه، بی‌پنهانی و سرگردانی انسان‌ها و ایرها، بی‌پنهانی که بدست همتایان خود بی‌پناه شده‌اند... و باها که ایرها را آواره کرده‌اند. ایر-پاران‌خیز، اشک آوارگان است... و اینها همه بر مزار آرزوه‌ای آن هم می‌نورم، که فرموده‌ای نیستی و می‌پرسد: «سه‌م ما از زندگی آیا همین قدر است؟  
سه‌م ما از عشق، از لبخند...  
آیا میان آتش و خون و ویرانی، کورسویی از عشق و لبخند دیده خواهد شد؟ آیا زندگی در جریان عادی و انسانی خود از بلکان هستی پالا خواهد رفت؟ آیا همین خانه ابری که دوامی ندارد و در قالب آب و باران فرو خواهد ریخت، روزی روزگاری به خنای آب و مقادیم بدل خواهد شد؟ شاعر از آن جایی که امید را در دل انسان‌ها می‌بیند، از کرامت باران، کرامت انسانی و خشکی‌ناپذیری می‌سازد. او مدام تا بیان تمام‌آرامت هسته کربد و درآیه پهار شود و ابر به وجود بیاید و خانه‌های بسیاری از ابر همچنان بنا شود، آن قدر ادامه خواهد داد تا خانه ابری به خنای واقعی تبدیل شود. ■

عکس و مکت

عار ثوب در از اسلسه  
نیست ما را از قضای حق گله  
شیر را در گردن از زنجیر بود  
بر همه زنجیر سازان میر بود  
(مولانا، منشی منوی، دفتر اول)



خبر شهادت و اسارت تعدادی از شیرمداران ایرانی در شهرک خان‌طومان حلب به دست تکفیری‌های متحجر، یکی از پرکارترین خیرهای می بود که هفته گذشته در فضای مجازی دست‌به‌دست شد.



اخلاق پزشکی

اختلالات روانی و خلاقیت

ارتباط میان اختلالات روان‌شناختی (به‌خصوص اختلالات خلقی) با خلاقیت، از گذشته‌های دور برای بشر جالب‌توجه و محل تأمل بوده است. بررسی‌های علمی این ارتباط، البته از دهه ۷۰ میلادی آغاز شده است. مطالعات ژنتیکی و عصب‌شناختی فراوانی نیز در پی تبیین و مشخص کردن چگونگی این ارتباط‌اند. کمتر کسی است که در طول دوران زندگی‌اش تجربه‌ای از خلق پاپین یا بالا نداشته باشد. اگر خلق و خوی پاپین، همراه با علائم دیگری مانند اختلال خواب، احساس گناه، بی‌ارزشی و میل به خودکشی باشد، نشان‌دهنده بیماری افسردگی شدید است، اما همیشه حد افسردگی تا این حد بالا و بیماری‌گونه نیست. آقای فرد «حالت افسرده» دارد و دست روزگار خلق او را پاپین آورده است. یکی دیگر از اختلالات خلقی، اختلال دوقطبی است. در این حالت، فرد زمان‌هایی افسرده است و گاهی نیز حالت شیدایی و گسیختگی هیجانی را تجربه می‌کند. اختلال دوقطبی هم می‌تواند بسیار بیمارگونه باشد چنانکه فرد، از یک طرف افسردگی شدید داشته باشد و از سوی دیگر دوره‌های شیدایی شدید را تجربه کند. دوقطبی بودن البته همیشه تا این حد ویرانگر نیست و دوره‌های خفیف تا متوسط افسردگی و دوره‌های خفیف تا متوسط شیدایی تجربه می‌شود. افسردگی و اختلال دوقطبی هر دو، با توجه به توانایی عقلی، جسمی و اجتماعی افراد، توان هماوردی با آدمی دارد. گاهی آنچنان شدید می‌شود که گزیری از اقدامات و مداخلات جدی درمانی نیست ولی گاهی به نسبت بیماری‌نمیرسد و مثل حرفی تمرینی در آورده‌ها روزگار با انسان دست و پنجه نرم می‌کند. اصطلاح افسردگی خلاق یا دوقطبی خلاق، اشاره به همین دوره دارد. به تعبیر دیگر، گاهی اختلال دوقطبی قبیل، باعث می‌شود آدمی به درک و فهم عمیق‌تری از پدیده‌ها برسد و جهانی دیگر بیافریند. مثلا اگر فردی که عزیزی را از دست می‌دهد و دچار حالت یأس و افسردگی می‌شود، پشت‌ناله فرهنگی، ادبی، اجتماعی و حرفه‌ای مناسب داشته باشد، ممکن است افسردگی‌اش را با شعر سرودن، داستان خواندن، نقاشی کردن و مسائلی از این

عشو گروه اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

قبیل خلق کند. فرق است میان آنکه جهانش در دوران سوزگیرانش، تا مدت‌های مena بی‌هدف است با کسی که جنبه‌های جدیدی از خودش را می‌شناسد و بیان می‌کند. در حالت دوقطبی نیز ممکن است فردی به مواد مخدر پناه ببرد یا خودش را این سو و آن سو کوشانند و یا به یاد و از آن طرف، فرد دیگری ممکن است شاهدکارهای هنری و فکری بیافریند و از نوزی فراوان و زالدش را در مجرای حلاقانه بی‌نیزاد، دانش، هوش و انگیزه، مصلع مثلث خلاقیت‌ناگه ای تاملات روانی به ما کمک می‌کند. اینها چنانچه آن زندگی کنیم و از آن سو همین زندگی حلاقانه، گاهی از عوارض شدید و ناهنجار آن تلاطمات روانی می‌کند! اما ماجرا البته همیشه به این سادگی‌ها نیست. گاهی وقت‌ها نیز به‌خصوص خلاقیت‌های هنری، آدمی را به تلاطمات روانی می‌کشاند، اما هرچه باشد، ارتباطی است که میان برخی از اختلالات روانی خفیف و متوسط با خلاقیت وجود دارد (اختلالات روانی شدید بسیار کمتر با خلاقیت پیوند دارند). فارغ از اینکه این اختلالات روانی بوده که به خلاقیت انجامیده یا برعکس و فارغ از این سلسله که میان چند درصد افراد این پیوند میان خلاقیت و بی‌تعاوی روانی وجود دارد و اینکه ۳۰ درصد باید بچه کرد، ۱-اینکه حواسمان باشد زمانی که دیدیم افسار زندگی از دستمان در رفته، از خوددرمانی بپرهیزیم و با خیال‌اندیشی، اوضاع را خراب‌تر نکنیم. مراجعه به مراکز درمانی در این مواقع، اولویت اول است.

۲-اینکه گاهی در کشاکش روزگار دچار تلاطمات روانی می‌شویم. بعضی وقت‌ها هم روان‌پزشکان و روان‌شناسان تشخیصی می‌دهند که گویا برای استمدت‌ها ما آن بسازیم و زندگی کنیم. در هر حال پدیمان باشد. اختلالات و تلاطمات روانی همیشه زندگی ما را به قهر نمی‌برند بلکه گاهی ما را شکرآفا می‌کنند و دریچه جدیدی به رویمان می‌گشایند. بعضی وقت‌ها واقعا باید قدر تلاطمات روانی را دانست.

۳-اینکه درنگ کنیم؛ به راحتی به دیگریان انگار بیماری روانی نزنیم. آدمی با این تلاطمات عجیب ■

افتادن از آن ور بام

مواجهیم که حتی برنامه‌های فرح و کاملاً پست‌ویزیه تلویزیون را هم برنمی‌تابند، یک جای کار می‌لنگد.  
مثال دیگری زینیم، شاید شما هم با استقبال بی‌حد و عجیب بسیاری از هموطنانمان در فضای مجازی از صفحات معمولی برخی خانم‌ها مواجه شده‌اید. دختر خاصی که بدون هیچ ویژگی‌ای، تنها با گذاشتن عکس‌های شخصی و نمایش دادن ژست‌هایش تبدیل می‌شود به ستاره فضای مجازی. هزاران لایک و بیننده و متوق برای صدها دختر و زنی که جلب توجه و شهرت را از این راه آرزایش می‌کنند، بدون کمترین زحمت و تنها با نمایشی نامتعارف. اتفاقی که بعد است چیزی دیگری از شما شنید آن باشیم و دلیل آن هم نباید زیاد پیچیده باشد؛ به قول یکی از دوستان روان‌پزشک، همه عقده‌ها و نیازهای جنسی اینجا سرریز می‌کند و با پدیده‌هایی مواجه می‌شویم حیرت‌انگیز. جریان و پدیده‌های زیرپوستی که اگر نگاه کنیم این مثل تجاوز و قتل یک دختر ۶-۷ ساله افغان سر باز کند و بترسد، همه فغان سر می‌دهند که ای وای! انگار نه انگار که هر روز با این شوهادت این سرطان پیشرونده مواجهیم و هیچ مفر و جایگزینی هم برایش ندارک نمی‌بینیم. بگذارید در آخر از یک نمونه جالب و اخیر بگویم، نمایشگاهی که برگزار شده بگذارد. تا یکی از عکاسان تعدادی از تصاویر پدر پیر و ۹۰ ساله‌اش را در نمایش گذارد. در تعدادی از این عکس‌ها پدر لباس کاملی به تن نداشت و آن بدن فروت و چروک‌ها نمایان بود که خبر از گذر عمر طولانی می‌داد. آن وقت همین نمایشگاه و همین عکس‌ها اعتراض رسانه‌ها و دولتی را برانگیخت که معتقد بودند تصاویر افراگر و تحریک‌کننده است. یکی از عزیزان روان‌پزشک هم نامه‌ای به رئیس انجمن روان‌پزشکان نوشت و با معرفی این شنید شوهادت بی‌پارامنی که نیاز به درمان سریع و اساسی دارند، خواستار بستری شدن آنها شد! داستان از این قیاز به بعد: فشار و نوشته‌ها و دفعه‌ها بی‌پایان آنها که برای کوچک‌ترین پدیده‌ها تا کوره درمی‌روند و نتیجه کارهایشان تا اینجا شده جمع‌عامی که «مهرداد اولادی» هفتاد: «نشانی» و آن فعالان فضای مجازی و همه ما را در خود پرورش دادند: محام داستان افتادن از آن ور بام است، فقط برای اینکه خدای ما نگردد و از این ور بام نفتیم. ■



دکتر سیدناصر عمادی  
متخصص پوست، عضو هیات علمی  
دانشگاه علوم پزشکی تهران

نقطه سر خط

بهترین برخورد با زیکا

وقتی ویروس زیکا قدرت خود را از چندین در کشور همسایه آمریکای جنوبی با چه‌راهی متفاوت از مرگ نوزادان و بالغان در مدت کمتر از چند روز و هفته به رخ انسان‌ها می‌کشد، سادگی است که در کشورمان مدعی شویم پشه ناقل ویروس زیکا را در خارج از مرزهای کشور کنترل می‌کنیم و اجازه ورود به آن نمی‌دهیم. شایسته بود به جای ادعای موفقیت کاذب در مدتیان مبارزه‌ای که هنوز ویروس و ویروس‌ها از آن وارد و مشاهده نشده، با ارائه گزارش علمی و تجربی از مبتلایان گذشته از کشورهای دیگر، همه مردم این آب و خاک می‌بایزیم که تکنیک آنها به‌عنوان محرم، همرا، هم‌رمز و ساعی در سخت‌ترین و پرمخاطره‌ترین لحظات پایداری هر دفاع منطقی، علمی و موثر در مقابل نفوذ ویروس بیگانه مهیا باشند. به‌عنوان متخصص پوست و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران که سال‌ها مشاهدات مکرری از بیماری‌های مختلف ویروسی را با حضور در کشورهای مختلف از قاره آفریقا تجربه کرده‌ام، بهترین، موثرترین، موفق‌ترین راه مبارزه با بیماری‌های خطرناک و هوناک عفونی ویروسی و گپ و گفت صادقانه با مردم و بیان همه زوایای پنهان بیماری به مردم عزیز کشورمان می‌دانم. از این رو، آخرین اطلاعات و اخبار بیماری‌ناشی از ویروس زیکا را که از مراکز معتبر علمی دنیا به‌خصوص مرکز مبارزه با بیماری‌های و اکیردار (CDC) تهیه و ترجمه شده، در اختیار هموطنان عزیز قرار می‌دهم. به فرمایش مولای علی(ع)، علم واقعی کسی است که همه اعضا و جوارح آن از علم و عمل خرد بگردد و دیگران را از دانسته‌های خود مطلع کند.

بیشتری خوانید

از زیکای جهانخواه  
را در صفحه ۳۳ همین شماره بخوانید.

ستون اخبار

شاید ۱۵ سال دور اینبار از زندگی است. حالا یاد بخندند، شاید با دوستانتی به گردش و ورزش برود، درس بخواند و به این فکر کند در آینده خواهد چه کار شود اما کار بی‌بیماری بسته (هومون رشد) و پاپین است و نمی‌تواند از این روزهای جوانی مثل جوان‌های دیگر لذت ببرد. شاید ۱۵ ماه است که در مسافر بوده و ۱۰ ماه دیگر باید مسافر درآورد. آمده‌هد. پدر شایان یا ماشین کار می‌کند اما چون معنات است، درآمد چندانی ندارد. چون زیکار این خانواده با وجود مبلغ یارانه و درآمد مادری که باغیرت در خانه چاندردوزی می‌کند، به سختی زیاد می‌گذرد ولی در درمان شایان مانده‌اند و نیاز شدیدی به کمک مالی من و من درآند. مادر این پسر جوان کسی که آمدش مکفی نیست. کمک به او ووست، باور، کن. اگر خواستی کمک کنی که زندگی به روی شایان لبخند بزندی، می‌توانی ووجه نقد را به کارت بانک پارسیان یا شماره ۰۲۱-۹۶۱۰۰۱۰۰۱-۶۲۲۱-۱۰۰ موسسه امیدادگران علشورا آریزکنی و یا شماره تلفن ۰۲۶۲۰۱۰۵۴ شماره یا شماره تلفن ۰۲۶۲۰۱۰۵۴ تماس بگیرگی.

دوست گرامی!

شما می‌توانید آثار خود را در قالب عکس، نقاشی، شعر، خاطره، دلنوشته، موضوع عکس، معنویت، تبلیغاتی و چاکلتر در ۰۲۱-۹۶۱۰۰۱۰۰۱-۶۲۲۱-۱۰۰ موسسه امیدادگران علشورا آریزکنی و یا شماره تلفن ۰۲۶۲۰۱۰۵۴ تماس بگیرید. این شماره یا شماره تلفن ۰۲۶۲۰۱۰۵۴ تماس بگیرید.

weeklysalamat@gmail.com  
نشانی: تهران، خیابان دکتر شریعتی، رویرو میرداماد، کوچه نیک، تقاطع پیشتن میرن، پلاک ۱۹۰، میرطوق به صفحه آخر | ارسال کنید تا در این صفحه با نام شما نشر شود.